

سیری نو زندگی و آثار
ایرج میرزا



بگوشدن علی دهیاشی



ketabtolah

سرشناسه	دهیانی، علی - ۱۳۳۷
عنوان و نام پدیدآور	: سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا / به کوشش علی دهیانی
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۳۸۷.
مشخصات مآخذی	: ۲۸۸ ص، مصور، نمونه
شابک	: ISBN 978-964-8897-61-6
فهرست‌نویسی	: قیباد
پادداشت	: صفحه به انگلیسی Ali Debbashi, Collected articles on the life and poetry of Iraj Mirza
پادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	: ایرج میرزا ۱۳۳۳-۱۳۹۱ ق. - نقد و تحسین
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۳ - تاریخ و نقد
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۳
رده‌بندی کنگره	: IIR ۷۶۲۸ / ۱۹
رده‌بندی دی‌جی	: ۱۵۸۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۵۶۱-۳۳۵۳



نشر اختران

سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا

بکوشش: علی دهیانی

مطراحی روی جلد: بیژن جناب

چاپ اول: ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شماره نشر: ۱۷۵

حروفنگار: لیلا کتمانی

لیتوگرافی: پارسیان

چاپ: فرشپوه - صحافی صفحه بردار

تلفن: ۶۶۲۱۰۳۲۵ - تلخن فروشگاه: ۶۶۲۱۱۲۲۹ - ۶۶۹۵۳۰۷۱

آدرس پستی: ایران - تهران - صندوق پستی ۷۶۵ - ۱۳۱۴۵

Email: info@akhtarbook.com

http://www.akhtarbook.com

ISBN: 978-964-8897-61-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۷-۶۱-۶

کلیه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

بها: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه / علی دهباشی
۹	دریازه احوال و آثار ایرج و نیاکان وی / دکتر محمدجعفر محجوب
۸۹	سبیری در زندگی و آثار ایرج میرزا / یحیی آوین پور
۱۴۱	بر کران بیکران / دکتر داریوش صبور
۱۵۳	ایرج، نام آور ناشناخته / نادر نادری پور
۱۷۵	ستایشگر مادر / دکتر غلامحسین بوسفی
۱۸۷	اخوانیات عارفنامه ایرج میرزا / دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
۲۰۵	یادی و آثاری از ایرج میرزا / فریدون مشیری
۲۱۱	شعر ایرج میرزا / ولی الله درودیان
۲۲۹	شعر ایرج / تقی بینش
۲۳۷	ایرج میرزا و شعر او / محمداحقر چیمه
۲۴۷	دیدگاه تربیتی ایرج میرزا / ح. بلوری / حسین محمدزاده صدیق
۲۵۷	هر چه هست زبان نیز و بیان رساست... / شهر آشوب امیرشاهی
۲۶۳	ایرج میرزا / رشید یاسمی
۲۶۷	ایرج، شاعر دوران تجدد / دکتر محمد رضا روزبه
۲۷۷	ایرج در دوستی و... / وحید دستگردی
۲۸۳	خاطراتی از ایرج میرزا / سعید نقیسی
۲۹۷	خاطره‌هایی از ایرج / حسین پزمان بختیاری
۲۹۹	علل پیدایش دو مثنوی ایرج / غلامرضا ریاضی
۳۰۳	دو یادگار ادبی از بغما و ایرج / دکتر غلامعلی سیار
۳۰۷	چند سروده و سند منتشر نشده از ایرج میرزا / علی میرانصاری
۳۱۵	فدایم ترین شعر برای کودکان / سیروس طاهباز
۳۳۱	چند و چون وطن خواهی در شعر ایرج میرزا / دکتر باقر صدوری نیا

۳۵۳ عارف‌نامه / محمود فرخ
۳۵۵ بادی از ایرج میرزا / عباس فرات
۳۵۷ تحقیق پیرامون افسانه زهره و منوچهر / دکتر ابوالفتح حکیمیان
۳۷۱ زهره و منوچهر: ایرج و شکسبیر / ابوالقاسم فیضی
۳۷۹ شاه و جام: ایرج و شیلر / ابوالقاسم فیضی
۳۸۹ تجزیه و تحلیل انقلاب ادبی ایرج / سیدهادی حائری
۴۰۱ گفتگو با مهندس خسرو ایرج
۴۰۵ خودکشی فرزند ایرج میرزا / مهدیقلی هدایت
۴۰۷ دو تذکره ایرج به مرکز
۴۰۹ دو نامه ایرج به وثوق‌الدوله
۴۱۵ دو نامه از ایرج میرزا / محمد گلین
۴۲۱ نامه ایرج میرزا به سر قیپ زاهدی / نصرت‌الله توح
۴۲۵ از دیوان ایرج میرزا

مراثی در سوگ ایرج میرزا

۴۶۱ در سوگ ایرج / ملک‌الشعرای بهار
۴۶۳ خوشا آن شب / وحید دستگردی
۴۶۵ ایرج برفت / بحیب دولت‌آبادی
۴۶۶ از دل باران / ملک‌الشعرای بهار
۴۶۷ فلک ربود / ربابه مگری
۴۶۸ شعر سنگ قبر ایرج
۴۶۹ نصابیر و استاد

مقدمه

ایرج میرزا را از زمره شاعران برجسته عصر مشروطیت می‌دانند. شاید بتوان وی را از شاعران مطرح دوران تجدد در ادبیات ایران نیز به شمار آورد.

ایرج از زمره معدود شاعرانی است که در هر نوع شعر که دست به تجربه زده موفق بوده است. اما شعرهای اجتماعی او جایگاه خاصی دارد. بقول یحیی آرین‌پور: «در این اشعار افکار دموکراتیک به خوبی انعکاس یافته و دردهای جامعه مانند تزویر و دورویی، بیچارگی و نادانی مردم، عادات زشت و خرافات و تعصبات مذهبی، شدیداً مورد بحث و انتقاد قرار گرفته است و نیز در شعر او جایگاه رفیعی برای بیان وضع نامطلوب زنان در جامعه ایرانی اختصاص یافته که با یک رشته از سخنان شاعر درباره مادر و مهر مادری و اشعاری درباره کودکان و نوباوگان تکمیل می‌شود.»

دکتر شفیعی کدکنی تصویری دقیق از زمینه اجتماعی شعر ایرج بدست می‌دهد آنجا که در کتاب «ادوار شعر فارسی» می‌نویسد: «صدای اصلی مشروطیت، بیشتر، یا میهن پرستی است یا انتقاد اجتماعی. و این صدا بیشتر در شعر ایرج و بهار دیده می‌شود، بهار از لحاظ میهن پرستی و ایرج به عنوان یک بورژوازی اشرافی منتقد روابط اجتماعی. بعد از گذشت چندین دهه، من گوشم را که به دیوار مشروطیت می‌گذارم، دو صدا را می‌شنوم: صدای بهار (و بالطبع عارف قزوینی و میرزاده عشقی) و صدای ایرج...».

پروفسور مار خاورشناس روسی ایرج میرزا را چنین توصیف می‌کند: «مردی بود سیاه سوخته و لاغر اندام و متوسط قامه و در رفتار و گفتار شکیبیا و بردبار. اشعار ایرج وقتی که خودش آنها را می‌خواند، جان می‌گرفت. طرز قرائت مخصوصی داشت که بسیار ساده و آرام بود و شعر او را هر چه روشن تر و طبیعی تر جلوه گر

می‌ساخت.

ابرج در زندگی همواره با تنگدستی و دشواری زندگی را می‌گذراند. به علت سلوک اخلاقی و پاکدامنی هرگز حاضر نشد برخلاف اعتقاداتش عمل کند و بنابراین به امکانات مَبغلی و مالی خواص راه پیدا نکرد و همواره از این مساله با افسوس یاد می‌کرد. پسرش در این باره می‌گوید: «گاهی که به ذکر سرگذشت ایام جوانی خود می‌پرداخت از سیمای گرفته‌ او به خوبی معلوم می‌شد با آنکه روزگاری موافق مقصود نداشته ولی با تذکار خاطره‌های جوانی به روزگاران گذشته اسف می‌خورد و با آه و حزن مخصوصی این بیت را آهسته آهسته زمزمه می‌کرد:

یاد ایام جوانی جگرم خون می‌کرد

خوب شد پیر شدم و کم‌کم و نسیان آمد

دشواری‌ها و مصائب زندگی سرانجام ابرج را از پا در آورد. وی در غروب ۲۲

اسفند ۱۳۰۴ دچار حمله قلبی شد و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد و

ابیاتی از سروده‌های خودش بر سنگ مزارش حک گردید:

ای نکویان که در این دنیا بید یا از این بعد به دنیا آید

این که خفته است در این خاک منم ابرجم ابرج شیرین سخنم

مدفن عشق جهان است اینجا یک جهان عشق نهان است اینجا

مجموعه حاضر انتخابی است از مقالاتی که درباره زندگی و سروده‌های ابرج

میرزا که در کتابها و نشریات ادبی از دوران حیات ابرج تاکنون منتشر شده که

بصورت این مجموعه مقالات تقدیم دوستداران ادب و شعر فارسی می‌شود.

علی دهباشی

اردیبهشت ۱۳۸۲

شعر سنگ قبر ایرج

ایرج در شمیران بین تجریش و امامزاده قاسم پهلوی قبر ظهیرالدوله بخاک سپرده شده و اشعار زیرین مدفن عشق که گفته‌ی خود اوست بر روی سنگ قبرش نقر شده:

ای نکویان که در این دنیا بد	با ازین بعد به دنیا آئید
اینکه خفته است در این خاک منم	ایرجم ایرج شیرین سخنم
مدفن عشق جهان است اینجا	یک جهان عشق نهان است اینجا
عاشقی بود بدنیافن من	مدفن عشق بود مدفن من
آنچه از مال جهان هستی بود	صرف عیش و طرب و مستی بود
هر کرا روی خوش و خوی نکوست	مرده و زنده من عاشق اوست
من همانم که در ایام حیات	بی‌شما صرف نکردم اوقات
بعد چون رخت ز دنیا بستم	باز در راه شما بنشستم
گرچه امروز بخاکم مأواست	چشم من باز بدنیال شماست
بنشینید بر این خاک دمی	بگذارید به خاکم قدمی
گاهی از من بسخن یاد کنید	در دل خاک دلم شاد کنید



سنگ مزار ایرج در گورستان ظهیرالدوله (عکس از امیر آروند)

غزل از طرف تالیف بروج میرزا جهان الملک دارا برده است درین معنی غزل را بویلیغ

طلب فسود کند هر چه ز عهد بگذرد	تب جویان بکند تر بود سرگذرد
من دین ز خاک بکین بیخ آینه بشوم	قد اگر است خاتم آن که گذرد
گر چه درین بکین مسلم کرد است	هر سر دینی هر که دنیا بیکر گذرد
حیف که آنکه در کج بکین بزم نشوم	آه که آنم در بزم در سر گذرد
کله بپوشم آنچه ز عمر و کوه است	رو آنچه با تو است بیک کله دیگر گذرد
دیند رنگت زار بر شایان تو کار	چند طوطی است که در صفی ز فر گذرد
عاقبت در دره غلامی خود زدم و بکین	آنچه بکین هر چه در راه بگذرد
ای وطن زانچه دینا تو کس بپوشد	که برده تو کجایم ز سر گذرد
ز شریف هر کله بگذرد در سیم بینه	ز شیر هر دره گذرد در هر گذرد
گر بچشم دین جنس رو با در گذرد	در زبان هر نظام در بچشم گذرد
دیکه ز دیند شگفت بود ایران	بک و این حدادند و بچشم گذرد
عزیز است در دین تو چون بر این	سینه در چاک ز خاک ابرج و گذرد
برج پیدا کند و با تو بکین و آید	از دین شرم ز کفر بچشم گذرد

برج جویان

در آینه جهان در آینه دیند ز کس بپوشد (کوه بپوشد)
 در دین تو با که دیند در دین تو بپوشد
 در چشمم بهر حرفه خود عیب خودم تو بپوشد
 ای که در دین تو بپوشد

کوه بپوشد
 در دین تو
 در چشمم
 ای که در دین تو

Collected Articles on The Life
and Poetry of Iraj Mirza



Edited by:
ALI DEHBASHI

